

مقاله پژوهشی

ناخودآگاه تباری و ترجیح همسانی سرپوش‌های انسانی و آسمانه بناها (گزارش همانندی ۵۰ سرپوش انسان و سرپوش بنا در بین اقوام آسیای شرقی، غربی و میانه)

مسعود وحدت طلب^{۱*}، اکرم یغموری^۲

۱- دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
۲- دانشجوی دکترا، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

ناخودآگاه جمعی کارگزار بسیاری از کنش‌های هنری است و معمولاً در تعیین کلیات آن‌ها، نقش اصلی را ایفا می‌کند؛ اما تجربه نشان می‌دهد این ناخودآگاه تباری است که در ماندگاری و حتی جزئیات آثار هنری، از خود کارایی بیشتری نشان می‌دهد. هدف این پژوهش نشان دادن تأثیر ناخودآگاه تباری در جاری‌سازی الگوهای ماندگار معماری با رویکرد روانی-زیستی است. سؤال اصلی عبارت است از: بین الگوهای سرپوش‌های بومی و الگوهای ماندگار آسمانه بناها در همان مناطق آسیایی چه مقدار همسانی وجود دارد؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش، از روش تحقیق تفسیری-تاریخی و روش استدلال، قیاسی-استقرایی استفاده شد. بدین منظور از میان سه منطقه آسیای شرقی، میانه و غربی و از کشورهایی با اقلیم و مردمانی دارای هویت قومی مشابه، همچنین تأثیرگذار بر فرهنگ و معماری زمانه، ۵۰ آسمانه معماری بعد قرن ۱۰، به روش کتابخانه‌ای انتخاب گردید سپس با استفاده از نرم‌افزارهای اتوکد و فتوشاپ، تناسب‌های شکلی آسمانه بناها با کلاه‌های رایج و مشابه هر منطقه موردبررسی قرار گرفت. طبق یافته‌های تحقیق که بیش از ۸۵ درصد هم‌پوشانی را بین فرم‌های کالیبره شده نشان می‌دهد؛ الگوی آسمانه‌ها محدود به سازه، کاربری و اقلیم نیست و معماران، ضمن توجه به این موارد، برای پاسخ به نیازهای زیستی و روانی، سرپوش‌های اصیل و بومی هر تبار را در آسمانه‌های آن سرزمین به کار بسته‌اند؛ زیرا این الگوها با وجود تفاوت در مصالح، هم از منظر اقلیمی و هم از منظر سلاطین فرهنگی بیشترین سازگاری را دارند. این تشابهات علاوه بر خطوط پیرامونی گاه در نقوش، بافت و حتی رنگ و جزئیات نیز قابل‌رؤیت است. از این رو می‌توان گفت: ناخودآگاه تباری در حوزه شکلی، با غربال باورها، هنجارها بر اساس آزموده‌های موفق، فرم‌های منتج از آنها را پاس می‌دارد و این الگوهای متنوع بومی را در معماری تبار خویش به کار می‌بندد.

تاریخ دریافت:

۱۸ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

ناخودآگاه تباری

سرپوش

آسمانه

خویش‌تن خواهی

انسان‌انگاری

doi: 10.22034/AHDC.2024.21223.1785

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

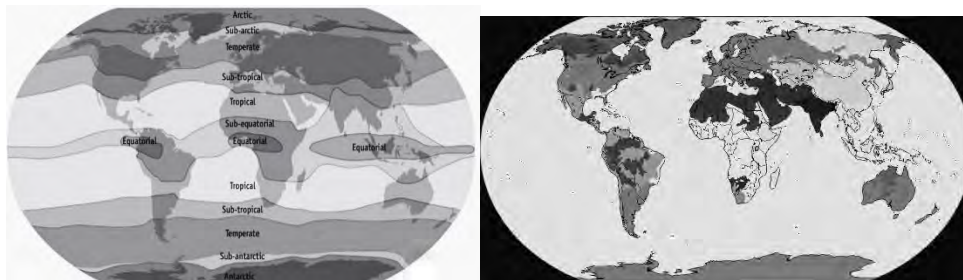


هنرها و مهارت‌های انسانی، عمدتاً در یک زنجیره به هم پیوسته قرار دارند و به‌ندرت به‌صورت مستقل و یک‌باره ظهور و بروز پیدا می‌کنند. شناسایی خاستگاه و منابع الهام هنرها می‌تواند بسیاری از ناشناخته‌ها و اسرار آنها را رمزگشایی کند. هنر گنبدسازی و آسمانه‌سازی، هم به‌عنوان هنر شاخص و رایج در معماری از این قاعده مستثنا نیست. این هنر برآیند هنرهای خرد مقیاس و پیشین خود است که انسان به فراخور نیازهای روانی و زیستی خویش به آفرینش آن پرداخته است. با توجه به این که از دیرباز و از زمان ویتروویوس همواره بر رابطه انسان و تن‌پوش‌ها تأکید شده است، این نگاه‌ها بر آن است که دایره مرسوم مؤلفه‌های شکلی هنر آسمانه‌سازی را که معمولاً محدود به سازه، کاربری و اقلیم می‌شود را گسترش داده و نشان دهد معماران و پدیدآورندگان این هنر، ضمن داشتن نگاهی انسان‌انگارانه، در جهت سازگار نمودن این هنر با محیط و هنر پیرامون نیز اقدام نموده‌اند. این پژوهش با بررسی یکی از این هنرهای خرد اندازه، نقش تجربه‌ها و کامیابی‌های زیبایی‌شناختی هنر سرپوش و کلاه‌سازی را در طرح و ساخت گنبد‌های اقوام آسیایی مورد تدقیق قرار داده است. جهت تفحص در این امر، ارتباط روانی شکل‌گرفته بین انسان و بنا از دیدگاه روانی و به‌صورت انسان‌انگارانه مورد بررسی قرار گرفت. هدف کلی این پژوهش نشان دادن تأثیر ناخودآگاه تباری در جاری‌سازی الگوها و ریخت‌های سودمند و ستوده، در یک حوزه انسانی، با رویکرد روانی-زیستی و روش تفسیری-تاریخی است که جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. گردآوری مدارک مکتوب، مبتنی بر نقش ناخودآگاه جمعی و تباری در شکل‌گیری سرپوش‌ها مبتنی بر شکل کالبد انسان، است. این پژوهش از حیث هدف تحقیق، بنیادی و روش استدلال نیز، استدلال قیاسی-استقرایی است. استدلال قیاسی-استقرایی عبارت است از حرکت به سمت مجهول از سمت معلوم که در آن به نحو استقرایی تحلیل و به فرضیه می‌رسد آنگاه از طریق استدلال قیاسی مفاهیم و فرضیه‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد تا روایی آن آزمون شود (از کیا و دربان استانه، ۱۳۸۹، ۴۷). برای نمونه هنگامی که نوبت به اثبات وجود شباهت‌های کالبدی و ویژگی‌های فیگوراتیو انسان و اثر معماری می‌رسد جنس و ماهیت استدلال حالت استقرایی به خود می‌گیرد و در نهایت در بررسی شباهت‌های پوششی بنا و انسان و در تطبیق سرپوش‌ها از کل به جز رسیده و به‌صورت قیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این تحقیق به‌صورت ساختارگرا بوده و بر اساس ساختار الگوی ماندگار و ناخودآگاه است.

چون تحقیق پیش رو از نوع اکتشافی است و به‌نوعی در مراحل مقدماتی یک پیمایش بزرگ است از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی اتفاقی استفاده شد. از کیا و دربان استانه در این رابطه عنوان کرده‌اند که «از مهم‌ترین کاربردهای نمونه‌گیری غیر احتمالی، استفاده در مطالعات مقدماتی پیمایش‌های بزرگ است» (از کیا و دربان استانه، ۱۳۸۹، ۲۵۱). برای انتخاب مکان، به سبب رویکرد تحقیق که در زمره روان و ذهن ناخودآگاه انسان است، آسیا، مرکز تمدن‌های بزرگ بشری برای تحقیق انتخاب شد؛ زیرا انسانی که در بستر شدیدتری از داده‌های محیطی زندگی می‌کند خواه‌ناخواه، دریافت‌های بیشتر و به‌مرور قوای ذهنی قوی‌تری خواهد داشت چراکه ذهن و بدن او مهارت‌های لازم در ادراک محیط را با گذر زمان درونی می‌کند (اکبری، ۱۳۹۶، ۲۷)؛ و بر غنای حافظه جمعی آن مکان افزوده می‌شود. از میان تعداد زیاد حوزه‌های تمدنی آسیا، کشورهایی از سه منطقه آسیای شرقی، آسیای میانه و آسیای غربی بر اساس دو معیار انتخاب گردیدند. معیار اول انطباق‌پذیری تقسیم‌بندی حوزه اقلیمی با تقسیم‌بندی حوزه قومی (به جهت تشابه پوششی مردمان) (تصویر ۱ و ۲) و مورد بعدی میزان تأثیرگذاری مناطق انتخابی بر فرهنگ و معماری زمانه است زیرا توجه هم‌زمان به دو عامل شرایط منطقه و هویت قومی مشترک^۱ مردمان لازم و ضروری می‌نمود. از این‌رو در کشورهای انتخابی درهم‌آمیزی و همگونی فرهنگی و پوششی قابل‌رؤیت است. علاوه بر این روند انتخاب کلاه‌ها نیز بر اساس رواج و تشابه شکل ظاهری با سرپوش بناهای تطبیقی در این مناطق است. این پژوهش به بررسی تشابه الگوی فرمی و جزئیات بین ۵۰ نمونه از سرپوش بناهای آسیای میانه، شرقی و غربی و سرپوش مردمانشان، در بازه زمانی بعد قرن ۱۰ می‌پردازد. انتخاب این بازه زمانی به علت گستردگی اسلام در سراسر کشورهای آسیایی تا قرن ۱۰ است؛ زیرا دین عامل دیگر تأثیرگذار بر پوشش و فرهنگ مردمان است و کره به‌عنوان یکی از آخرین کشورهای مورد بررسی از بعد مسافت در نمونه موردی‌ها، در قرن ۹ برای اولین بار با اسلام

مواجه شد (ابن خرداد به، ۱۳۷۱). فلذا با فراگیر شدن آخرین دین الهی در قرن ۱۰، در سرزمین‌های آسیای میانه، شرقی و غربی هر ملیتی با توجه به بستر فرهنگی و زیستی خود دین و آیین و به سبب آن پوشش خویش و محل سکونتش را تعیین نموده و به ثبوت نسبی رسیده است. با تثبیت این امر و مدنظر قرار دادن گرایش‌های روانی و زیستی انسان، پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- بین الگوهای سرپوش‌های بومی و الگوهای ماندگار آسمانه بناها در مناطق آسیایی چه مقدار همسانی وجود دارد؟
- گرایش‌های زیبایی‌شناسی انسان‌انگارانه در حوزه ناخودآگاه تباری، چه تأثیری بر الگوهای فرمی موجود در پیرامون زیستی و معماری، خصوصاً آسمانه‌ها داشته است؟



تصویر ۱ و ۲: مشخصات تصاویر از چپ به راست: نقشه تقسیم‌بندی نژادی جهان (مأخذ: URL 1)؛ نقشه تقسیم‌بندی اقلیمی جهان (مأخذ: URL 2).

۲- پیشینه تحقیق

مرور ادبیات پیشین، ناظر بر حوزه انسان‌نگاری در معماری و همچنین تأثیر فرهنگ پوششی در معماری است. بارابانوو (Barabanov, 2002)، معماری را وسیله‌ای برای بیان ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌داند که با زبان نمادها و نشانه‌ها به ظهور می‌رسد و یکی از راه‌های شکل‌گیری طرح در ذهن طراح را انسان یا جانورانگاری پدیده‌ها معرفی می‌کند و به شرح چگونگی به‌کارگیری از این روش در طراحی‌ها می‌پردازد. زولنر (Zöllner, 2011)، از انسان‌نگاری و روند کم‌توجهی نسبت به آن در طول قرن ۱۵ تا ۱۹ سخن گفته و در ادامه به توضیح نحوه احیای آن در قرن بیستم پرداخته است. وی معتقد است انسان‌نگاری بر اساس خواسته‌های فردی افراد در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده و زمینه ظهور و تعالی آن در جامعه انسان‌مدار بیشتر است. اندرسون (Anderson, 2006)، نیز تأکید به استفاده از تناسبات و الگوهای بدن انسان در ایده‌های طراحی یا تناسبات دارد و به بررسی نمونه‌های موردی در بناهای تاریخی پرداخته است. در این میان، پوند (Pond, 1918)، از جمله نادر معماران پیش‌قراولی بود که علاوه بر فرم کالبدی، احوالات روحی و روانی هر دوره و عصر را نیز در قالب چهره انسانی در بناها مورد تحلیل و بررسی قرار داد. وی در درصدد بیان احساسات در قالب توده و فرم بود و روح معماری و انسان را به هم نزدیک دانسته و معتقد بود طراحی مطلوب، برگرفته از فرم کالبد بدن انسان است.

از پژوهشگرانی که انسان‌نگاری را از منظر غریزه و ناخودآگاه، مورد تحلیل و تفسیر قرار داده‌اند می‌توان به هنریک (Heinrich, 2014)، اشاره کرد. وی محرک‌های حسی انسان را با توجه به الگوهای تفسیر غریزی و نیازهای روان‌شناختی برای درک محیط پیرامون مورد بررسی قرار داده و از آن در بهره‌گیری از مفاهیم طراحی استفاده کرده است. در این رابطه همچنین می‌توان به مطالعات وحدت طلب (۱۳۹۳)، اشاره نمود که به بررسی تأثیر ویژگی اندام‌های انسان بر شکل‌گیری غرایز، خصوصاً غریزه خویشتن‌خواه پرداخته است. وی معتقد است که این غریزه موجب بروز خصایص ذهنی در انسان می‌شود که در قضاوت‌های زیبایی‌شناسی تأثیر دارد.

در رابطه با حوزه دوم مطالعاتی که مربوط به تأثیر فرهنگ پوششی مردم جامعه در شکل‌گیری بناها است، پوند مطالعات قابل استنادی در حیطه تأثیرگذاری محیط پیرامون بر شکل‌گیری فرم کالبد بنا دارد؛ پوند (Pond, 1891)، رابطه خویشاوندی بین معماری و انسان را مورد مطالعه قرار داده و معماری هر منطقه را متأثر از فرهنگ و سلیقه حاکم بر آن

عصر و تمدن می‌دانست. وی همچنین مد و سلیقه پوشش‌دهی حاکم بر آن دوران را در کالبد بناها مورد بررسی قرار داد. در حقیقت وی معتقد بود که معماری هر منطقه برگرفته از پوشش قومیت ساکن در آن منطقه است. او همچنین در سال (Pond, 1918)، به بررسی الگوگیری انسان از کالبد خود و طبیعت پیرامونش در طراحی‌های معماری پرداخت و الگوهای محیطی را عامل تنوع بناها در سرزمین‌های مختلف می‌دانست. کاستان و تامیکو (Castan and Tamico, 2017)، با رویکرد بدنمندی و توجه به ماهیت دگرگون شونده منسوجات به‌عنوان ماده‌ای که تطبیق‌پذیر است و در صورت همراه شدن با بدن از نظر فرم پذیری تقویت می‌شود، درک جدیدی از معماری نساجی را بیان کرده‌اند. عباسی (Abbasi, 2018)، نیز معتقد است که مد و معماری بر اجتماع متمرکزند، وی همچنین تمایلات و گرایش‌های روانی انسان در انتخاب رنگ و فرم‌های مطلوب ذهنی در پوشاک و معماری را بررسی نموده است. کوماری (Kumari, 2019)، رابطه بین الگوهای لباس نگاره‌ها و بناهای معماری عصر مغول را مورد بررسی قرار داده و عنوان کرده است که در دوران حکومت مغول در هند، بین الگوهای معماری و لباس‌هایشان تبادل فرمی و شکلی وجود داشته است. این الگوگیری در تزئینات و بافت نیز قابل‌رؤیت است. مطالعه علی و ربه (Ali and Rebeh, 2021)، نیز به بررسی رابطه بین معماری و پوشاک از منظر ایده‌ها، تصاویر، تکنیک‌ها و مواد مورد استفاده در دوره معاصر پرداخته است، این تحقیق تأثیر فناوری را در این دو حوزه مورد مذاقه قرار داده است. عبید و صالح (Ubaid and Saleh, 2022)، نیز ویژگی‌های مشترک و رابطه متقابل معماری و سبک پوششی و تأثیر این دو حوزه بر یکدیگر را بررسی و چگونگی انعکاس آن را نشان داده‌اند و چنین بیان کرده‌اند که معماری الهام گرفته از سبک پوششی موجب انعطاف‌پذیری و هنری‌تر شدن می‌گردد درحالی‌که از سوی دیگر، سبک پوششی الهام گرفته از معماری موجب فنی و ساختاری شدن پوشاک می‌شود.

چنان‌که ذکر شد، پژوهش‌هایی در خصوص کلیات گرایش‌ها و ترجیحات انسان از منظر غربی و فرهنگی در تمایل به انسان‌انگاری بنا و همچنین رابطه متقابل تن‌پوش و معماری صورت گرفته است؛ اما طبق بررسی نگارندگان، تاکنون پژوهشی در رابطه با تأثیر گرایش‌های انسان‌انگاره در حوزه ناخودآگاه تباری، بر شکل‌گیری الگوهای فرمی ماندگار در پیرامون زیستی و معماری، خصوصاً گنبدها صورت نگرفته است. در ضمن بایستی خاطر نشان کرد که این پژوهش در میان اقوام مختلف آسیایی صورت پذیرفته است که علاوه بر فرم کلی سایر مؤلفه‌ها را نیز مورد تدقیق قرار داده است.

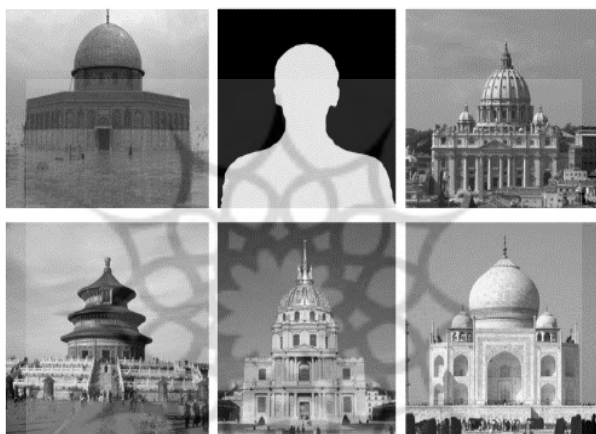
۲-۱- پیشینه نظری تحقیق

در بررسی آثار هنری، بسنده کردن به خلاقیت فردی معمار و غفلت از ذهن ناخودآگاه جمعی و تباری، به سطحی‌نگری در فرآیند تحقیق می‌انجامد، برای ساماندهی مبانی نظری مطالعات، این قسمت به دو بخش تقسیم شده است. در بخش اول، مطالعات صورت گرفته در مورد نقش ناخودآگاه جمعی در تعیین خطوط کلی و انسان‌انگاری بناها مورد بررسی قرار گرفته است و در بخش دوم به بازشناسی تأثیر ناخودآگاه تباری در جزئیات آثار هنری پرداخته شده است.

۲-۱-۱- ناخودآگاه جمعی و معماری انسانی

تدقیق در فرم بناها در اعصار و مکان‌های مختلف بیانگر این مطلب است که خطوط واحد و مشابهی در آثار معماری وجود دارد که تجلی فرم‌هایی جاویدان است. معماری زمانی می‌تواند در مسیر جاودانگی باشد که پیوندی وجودی با ناخودآگاه جمعی آدمی داشته باشد. توجه به فرهنگ و استفاده از کهن‌الگوهای ماندگار و توانایی جذب مخاطب از طریق معنا موجب معماری ماندگار می‌گردد (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۳). در این باره الکساندر می‌گوید: زمانی می‌توان چیزی را برای عموم تأثیرگذار کرد که احساسات مشترک بشری را نشانه رفته باشد (Alexander, 2003: 315). الکساندر به دنبال ایجاد یک ارتباط عمیق و شهودی در طراحی بود که خود او را با آنچه که می‌سازد مرتبط کند (Salingaros, 2020). وی طراحی انسان‌محور را عامل ماندگاری یک طرح می‌داند؛ به طوری که از تعبیر «من» یا خویش‌تن برای تبیین مفهوم مرکز معنایی باطنی استفاده کرده است (مندگاری و ندیمی، ۱۳۹۵). معانی در ساحت باطنی از مرتبه کارکردها و عملکردهای ظاهری و حتی نشانه‌ها بالاتر می‌روند و ظهورشان در عالم به صورت «رمز و نماد» آشکار می‌شود (ندیمی و همکاران، ۱۳۹۳).

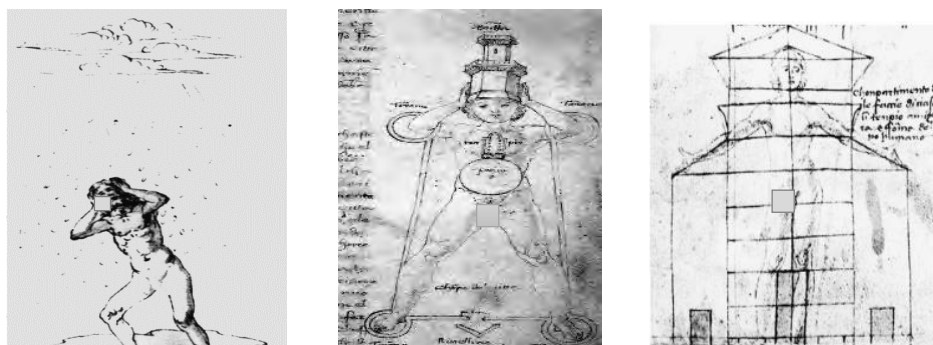
ضمیر ناخودآگاه معماران معماری انسانی، توان آن را دارد که آن‌ها را به سمت معماری جذاب و دلپذیر انسان که مبتنی بر سرشت مشترک انسانی است، رهنمون کند (وحدت طلب، ۱۳۹۳) (تصویر ۳): زیرا ویژگی خویشتن دوستی انسان از جمله این گرایش‌های مشترک بشری است. انسان برای ارتباط و ادراک بیشتر محیط، تجربیات حسی خود را تغییر داده و به محیط اطراف خود معنای جدیدی می‌دهد و چون ویژگی کالبدی چهره و تن انسان از بارزترین و اصلی‌ترین بهانه‌های انسان برای خودستایی است از این خصیصه در طراحی خود بیشترین استفاده را می‌کند و به محیط پیرامون خود، ماهیتی انسانی می‌دهد (همان). ویشر به تشریح این موضوع می‌پردازد که چگونه فرم‌های مشخص وابسته به تطابقشان با فرم بدن ناظر منجر به شکل‌گیری واکنش‌های احساسی مشخص در ناظر می‌شوند (Vischer, 1994). اگر انسان بتواند خصوصیات خاصی از بدنش را در بدن‌های ساخته‌شده محیط پیرامون تشخیص دهد این ارتباط با محیط با سهولت بیشتری مقدور می‌گردد. برحسب آن انسان می‌تواند از پدیده‌های شایع و حسی فراتر رود تا قیاس‌های بی‌شماری بین ساختمان‌ها و انسان‌ها بیابد. این اظهارات واضح‌تر می‌شوند اگر یک ستون به‌عنوان یک عنصر انسان شناسانه تفسیر شود یا اگر ویژگی‌های خاصی در نماها یادآور یک جفت چشم باشد. پس فیزیولوژی معماری به ما کمک می‌کند تا با او گفتگو کنیم و ساختمان به معنای واقعی کلمه به ما نگاه کند (Heinrich, 2014).



تصویر ۳: الگوگیری از فرم بدن انسان در بنای معماری (مأخذ: وحدت طلب، ۱۳۹۳).

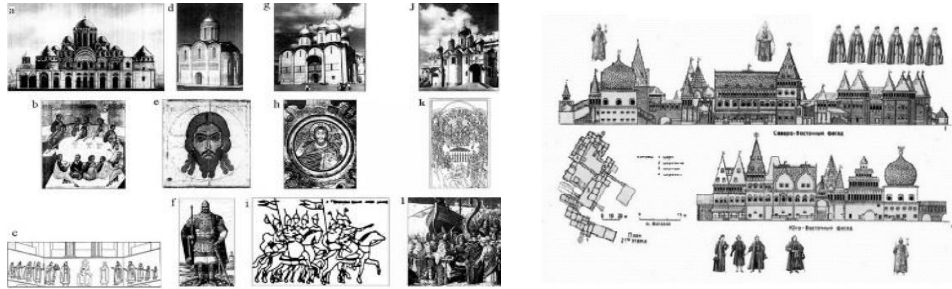
۲-۱-۲- ناخودآگاه جمعی و شکل‌گیری خطوط کلی سرپوش بناها

در رابطه با تشابه شکلی سرپوش بنا با سر انسان، فیلاره^۲ (آنتونیو اورلینو) (۱۴۶۱)، ادعا می‌کند: «باید اعتقاد داشت که آدم، با دو دست خویش، سقف خود را ساخته و با توجه به نیاز به ادامه حیات، از فرم خود برای ساختن سکونتگاهی که او را در برابر باران و گرمای خورشید حفظ کند، بهره‌جسته است» (Cited in Anderson, 2006). نقاشی‌های به‌جای مانده از فرانچسکو مارتینی مهر تأیید دیگری بر منشأ شکل‌گیری فرمی سرپوش ساختمان‌ها است (تصویر ۴).



تصویر ۴: استفاده از الگوی سر انسان در ساخت سرپوش بنا: مشخصات تصاویر از چپ به راست: ۴-۱. آدم در باغ عدن، فیلاره، ۱۴۶۱ (مأخذ: Anderson, 2006). ۴-۲ و ۴-۳. تحلیل فرانچسکو دی جورجیو از طراحی سرپوش بناها، 1841 (مأخذ: Anderson, 2006).

همچنین پوند می‌گوید: «ما با نگرستن به یک ساختمان دارای گنبد، مرد اندیشمندی را می‌بینیم که محکم روی زمین قرار گرفته و سرش به‌طور مستقیم بر روی شانه‌ها قرار دارد» (Pond, 1918: 119). در حوزه‌های فرهنگی جنوب آسیا، خصوصاً معماری هند نیز، با صراحت معماری را به بدن انسان تشبیه می‌کنند. به باور آن‌ها، گنبد همان سر است و در همان دهان است (وحدت طلب، ۱۳۹۳). این مسئله را می‌توان در قالب طراحی‌های شهری و در مقیاس‌های بزرگ‌تر نیز شاهد بود. به‌طوری‌که طرح اغلب کلیساهای روسیه نیز متأثر از این امر است (Barabanov, 2002). همچنین در کاخ برج تزار الکسی میخائیلوویچ که در نزدیکی مسکو ساخته شده است، به‌وضوح می‌توان یک تصویر جمعی از خانواده تزار را مشاهده کرد (تصویر ۵) (Polovtsev, 1992: 35).



تصویر ۵: مشخصات تصاویر از چپ به راست ۵-۱: کلیساهای انسان‌انگارانه در روسیه (مأخذ: Barabanov, 2002).
۵-۲: برج تزار الکسی میخائیلوویچ، تعداد گنبدها برگرفته از تعداد اعضای خانواده (مأخذ: Polovtsev, 1992: 35).

۲-۱-۳- ناخودآگاه تباری و این‌همانی با محیط

«من نانی را که پخته‌ام، جامه‌ای که پوشیده‌ام، سرپناهی که ساخته‌ام، سوختی که جمع کرده‌ام را بیشتر دوست دارم» این جمله از دیوید ثورو اشکال تعصب انسان به غذا، پوشاک، سرپناه و سوختی که مربوط به خویشتن است را نشان می‌دهد (Cited in Gaskell, 2019). این‌گونه از گرایش‌ها در ابعاد بزرگ‌تر و جمعی در حیطه ناخودآگاه تباری است. کزازی عنوان می‌کند آنچه در ناخودآگاه تباری می‌گذرد، تنها در گستره این تبار معنا و بنیاد می‌یابد؛ و ریشه‌های دیرینه و استوار ذهنیت و منش تباری را می‌سازد (کزازی، ۱۳۷۲: ۷۶). چنین برداشتی بیشتر به نحوه شکل‌گیری الگوهای فرهنگی برمی‌گردد که بی‌ارتباط با کهن‌الگوها نیست؛ چراکه تکرار مکرر یک الگوی فرهنگی به ایجاد کهن‌الگو خواهد انجامید (خیرآبادی و خیرآبادی، ۱۳۹۶). از سویی دیگر، افراد با فرهنگ مشترک، به دلیل وجود ناخودآگاه اختصاصی مشترکشان، داوری در ارزش‌های زیبایی‌شناسی‌شان نیز مشترک است (Tekel, 2015). این مطلب بیانگر این است که ادراکات زیبایی‌شناسی انسان برگرفته از فرهنگ و سلاقی حاکم در آن عصر و جامعه است که بازنمود این ادراکات در دست‌سازهای بشری از جمله بناها، قابل‌رویت است (پاکزاد، ۱۳۷۵). الکساندر در این مورد عنوان نموده است که ساختمان‌ها و جوامع فقط به‌عنوان تجلی «خود» زنده می‌شوند (Alexander, 1979). گافمن نیز از «اشیا جمعی» به‌عنوان اشیا و فضاهایی که نماینده و هویت جامعه هستند سخن می‌گوید (Goffman, 1951). از این‌رو ارتباط انسان و معماری به‌قدری تنگاتنگ است که انسان، اشیا را بخشی از هویت خویش می‌پندارد. احساس هویت یا این‌همانی انسان با فضا و محیط خویش، یکی از روش‌ها و یا فرآیندهای تأثیر محیط بر انسان است. (پاکزاد، ۱۳۷۵). تأثیر محیط بر هویت انسان و یا به عبارتی رابطه هویت انسان با محیط در دو مرحله قابل‌ذکر است: یا انسان با فضای زیست‌احساس این‌همانی (هویت همسان) می‌نماید و یا اگر این احساس را نداشته باشد به‌تدریج این فضا بر او تأثیر نهاده و فرهنگ و رفتار او را به نحوی متحول خواهد نمود که حتی علی‌رغم میل خویش آن را بپذیرد و بیندارد که جز آن راهی نیست (نقی زاده، ۱۳۸۱). این هم‌هویتی به‌قدری است که حتی حالات ظاهری او در دوره‌های مختلف بر اشکال فرمی قسمت‌های مختلف بنا تأثیرگذار بوده است. پوند بیان می‌کند: «انسان در دوره‌های مختلف زمانی و مکانی، دارای ذهنیت و طرز فکر متفاوتی است که گوته به آن روح یک عصر می‌گوید. البته حضور این روح در برخی مقاطع زمانی شدیدتر است که قرون‌وسطی، رنسانس و کلاسیک جزو این دوران حساس

می‌باشند» (Pond, 1891). وی در تصاویر زیر ارتباط حالات ظاهری انسان در دوره‌های قرون وسطی، رنسانس و کلاسیک را، با سرستون‌های متناظر همان اعصار به تصویر کشیده است. همان‌طور که مشهود است تاریکی و اندوه انسان قرون وسطی با روشنایی و بارقه امید انسان در دوره رنسانس یا آرامش دوره کلاسیک به وضوح در سرستون‌های همان اعصار مشهود است (تصویر ۶). در حقیقت چنین می‌توان عنوان کرد که طرح‌واره‌ها یا گرایش‌های زیبایی‌شناختی که به سلیقه افراد جهت می‌دهند، آینه‌ای از بافت تاریخی-اجتماعی و فرهنگی هستند که می‌توانند به تغییر آن کمک کنند (Hanquinet, 2018). چنین حساسیت‌های زیبایی‌شناسی متأثر از تاریخچه، فرهنگ، تجربیات یادگیری و رؤیت مکرر فرم توسط فرد است (Corradi et al., 2020). از این‌رو تقلید از تجربیات زیسته معیار مهمی در قضاوت زیبایی‌شناسی عامه مردم است (Hanquinet et al., 2014). به عبارت دیگر می‌توان چنین گفت که خوگیری به موتیف‌های آشنا تحت تأثیر مانایی آنها در ناخودآگاه تباری، زمینه‌ساز بروز این پسند دیداری و این سوگیری زیبایی‌شناختی شده است (وحدت طلب و یغموری، ۱۴۰۳).



تصویر ۶: ارتباط حالات ظاهری انسان و فرم ستون‌های همان عصر (مأخذ: Pond, 1891).

۲-۱-۴- انسان‌انگاری بنا از منظر ناخودآگاه تباری

محیط در شکل‌گیری غرایز نژادی و ویژگی‌های ادراکی انسان مؤثر است و حساسیت به فرم‌ها از طریق اجداد و محیط به وی منتقل می‌شود (Pond, 1918: 113). از این جهت، آنچه انسان در انسان‌انگاری می‌بیند متأثر از محیط پیرامون و فرهنگ است (Guthrie, 2008). به دیگر سخن، انسان‌انگاری پدیده ایزوله‌ای نیست که از آن استفاده شود، بلکه انسان-انگاری با همه حقایق و ارزش‌ها، افکار و احساساتی که ما، به‌عنوان فرهنگ از آن یاد کرده و به‌طور جمعی در بین خود تقویت می‌کنیم، درهم‌تنیده شده است (Fawcett, 1989).

طبق بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد، الگوی انسان‌انگاری در ساخت بناها و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به صور گوناگون به کار گرفته شده است تا بدین سبب رابطه معنادار و مطلوبی با مخاطب برقرار سازد. مصادیق معماری انسان‌انگارانه همانند هر موجود زنده‌ای در طول زمان رشد می‌کنند و برای سازش با شرایط اقلیمی و ویژگی‌های فرهنگی و بومی و شرایط محیطی، آرام‌آرام به بازیابی و بازسازی خصایص کالبدی انسان می‌پردازند (وحدت طلب، ۱۳۹۳). دست-ساخت‌های انسان در روند تکاملی خود، بعد از تأمین دیدگاه‌های کاربردی، فرهنگی و اقلیمی مطابق ویژگی‌های کالبد انسان، اصلاح و بازآفرینی می‌شوند (همان) (تصویر ۷)



تصویر ۷: شباهت شکلی سرپوش بناها و انسان، seok, 2012 (مأخذ: URL 3).

معماری و انسان همواره خویشاوندی نزدیکی باهم داشته‌اند (Pond, 1918: 120). تاریخچه توسعه، فرآیندها و اهداف سبک پوشش و معماری نشان می‌دهد که آنها به‌طور قابل‌توجهی بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند (Miles, 2008). منطقی‌ترین رابطه این است که هر دو سرپناهی برای افراد فراهم می‌کنند، وقتی صحبت از تعاملات سبک پوشش و معماری به میان می‌آید، این رابطه به عصر یخبندان برمی‌گردد که به اولین استفاده انسان از همان مواد برای خانه ساختن و پوشاندن بدنش برمی‌گردد (Ubaid and Saleh, 2022) یولی تنگزی می‌گوید: «هم معماری و هم پوشاک بدن را در فضا احاطه می‌کنند ... لباس معماری صمیمی‌تر است زیرا به بدن نزدیک‌تر است». همچنین، کاواکوبو در مورد دستورالعمل طراحی خود می‌گوید: «لباس اساساً ساختاری از فضا مانند یک ساختمان است» (Cited in Ibid). بدین روی این خویشاوندی فراتر از تقلید فرمی صرف بوده و انسان پوشش‌های برانزده خود را در کالبد بنای دست‌سازش به تصویر کشیده است. معماری و پوشش در مسیرهای مشابهی از سبک و استایل در حال حرکت‌اند (Pond, 1918: 120). خطوط پیرامونی شکل گنبد و سرپوش‌های هر دوره و منطقه مواردی هستند که در بررسی شباهت‌های پوششی بین انسان و بنا بسیار حائز اهمیت می‌باشند. بسیاری بر این باورند که سلیقه پوششی قومیت‌ها در اشکال فرمی دست‌ساخته‌های آن‌ها نقش به‌سزایی داشته است. در این باره پوند روش بومی‌شناسی را برای توسعه شکل معماری به اشتراک گذاشته است. وی به‌طور صریح معماری را با فیزیونومی نژادی سازندگان آن پیوند داده است. او در یک بررسی اسکیس‌هایی از مردم کشورهای یونان، مغول، عرب و فرانسه را به تصویر کشیده است که سرپوش‌هایشان، ارتباط متناظری با سرپوش بناهای سرزمین‌هایشان دارند. وی معتقد است سلیقه پوششی جامعه، متأثر از غرایز مردم جامعه است که در ناخودآگاه جمعی مردم هر سرزمین نهادینه شده و در ادراکات زیبایی‌شناسی مردم آن سرزمین تأثیر گذارده و موجب گردیده همین سلیقه زیبایی‌شناسی را در کالبد بناهای دست‌ساز خویش نیز اعمال نمایند (Pond, 1918: 120). علاوه بر این با توجه به اثر مواجهه صرف، افراد محرک‌هایی را که به‌طور مکرر مشاهده کرده‌اند ترجیح می‌دهند (Weinberger et al., 2022). از این رو رؤیت مکرر فرم سرپوش‌ها الگویی بود که در یک ارتباط دوسویه در بناها نیز استفاده گردید و می‌توان عنوان کرد همان‌طور که تفاوت‌ها را در چهره و پوشش قومیت‌های مختلف می‌توان دید، تفاوت محیط پیرامون جوامع (نژادهای) مختلف بشری نیز امری انکارناپذیر است. محیط‌هایی که هر کدام، سبب ایجاد سازگاری‌های جسمی و روانی خاص خود شده‌اند و به شکل محسوسی در رفتار انسان‌ها منعکس گشته‌اند (Pond, 1918: 120) (تصویر ۸).



تصویر ۸: شباهت شکلی سرپوش بناها و سرپوش انسان. پوند (مأخذ: Pond, 1918: 120).

۳- مواد و روش

۳-۱- کاربرد نظریه الگوی ماندگار

با تکیه بر رویکرد روانی‌زیستی تحقیق، برای پاسخ‌گویی به هدف تحقیق که نشان دادن تأثیر ناخودآگاه تباری در جاری‌سازی الگوها و ریخت‌های سودمند و ستوده، در یک حوزه انسانی است، الگوی "سرپوش" که قابلیت کالیبره شدن و همپوشانی، جهت کشف تطابق فرمی را داراست، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. بدین ترتیب که بر اساس مطالعات پیشین پس از بررسی رابطه سرپوش بنا و سرپوش انسان از منظر گرایش ناخودآگاه جمعی انسان، به بررسی جزئیات این تشابهات احتمالی با توجه به ناخودآگاه تباری مناطق پرداخته شد (تصویر ۹).

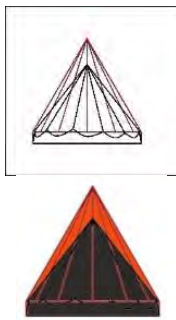
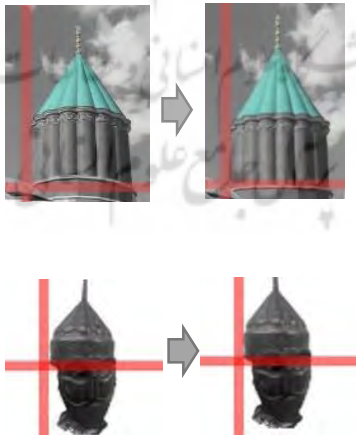



تصویر ۹: کاربری نظریه ساختار الگوی ماندگار در بررسی شباهت الگوهای پوششی و الگوهای معماری (مأخذ: نگارندگان).

۳-۲- نحوه برداشت و پیاده کردن اطلاعات از سرپوش‌ها

برای جلوگیری از اختلال در روند پژوهش، الگوهای مشابه سرپوش‌های انسانی و سرپناه‌های معماری هر منطقه که بیشترین نزدیکی فرمی را دارند، انتخاب شدند. برای نشان دادن این تشابه از خطوط خطی_تحلیلی ساده‌ای استفاده شد که به صورت انتزاعی کلیت تشابه شکلی سرپوش بنا و انسان را نمایش می‌دهد (مرحله ۱). سپس این تصاویر با استفاده از نرم‌افزار فتوشاپ^۳ و دستور «کج کردن»^۴ به عکس تخت تبدیل گردید تا ایرادهای مربوط به زاویه عکاسی اصلاح گردد (مرحله ۲) (جدول ۱). در محله بعد با استفاده از نرم‌افزار اتوکد^۵ و دستور «نوار چسبیده»^۶ خطوط پیرامونی سرپوش‌ها و آسمانه‌ها به صورت دقیق تر رسم شده و سپس خط زمینه و افقی آسمانه بنا را با سرپوش انسانی مدنظر یکسان نموده و سپس فرم‌ها با دستور «مقیاس»^۷، بر هم منطبق و کالیبره شدند تا میزان سطح همپوشانی محاسبه شود. در این مرحله با استفاده از دستور مساحت^۸، سطح اشغال قسمت همپوشانی شده و تمامی سطح آسمانه را محاسبه کرده و نسبت آن‌ها به صورت درصدی بیان گردید. برای وضوح و درک بیشتر سطح همپوشانی با استفاده از برنامه رنگ فتوشاپ^۹ قسمت‌های همپوشانی شده با رنگ طوسی و بخش‌های غیر همپوشانی شده با رنگ قرمز نمایش داده شد (جدول ۱). نتایج این بررسی که روی ۵۰ نمونه انجام شده است در (جدول ۲-۳-۴) به‌طور مجزا برای آسیای شرقی، میانه و غربی قابل مشاهده است.

















































































جدول ۱: مراحل انجام کار تبدیل عکس به عکس تخت با نرم‌افزار فتوشاپ و محاسبه درصد همپوشانی با نرم‌افزار اتوکد (مأخذ: نگارندگان).

		
<p>مرحله سوم</p>	<p>مرحله دوم</p>	<p>مرحله اول</p>
<p>ترسیم خطوط پیرامونی، کالیبره کردن و نمایش میزان همپوشانی</p>	<p>تبدیل تصاویر به عکس تخت با دستور کج کردن</p>	<p>یافتن الگوهای شکلی مشابه در سرپوش بنا و انسان</p>

جدول ۲-۱: مصادیق از تشابه سرپوش انسانی و سرپوش معماری در آسیای شرقی (مأخذ: نگارندگان).

			
تصویر ۱۶: خانه هانکوک یانگ دونگ کره (مأخذ: URL 10).	تصویر ۱۴: خانه کره‌ای (مأخذ: URL 8).	تصویر ۱۲: برج آب چین (مأخذ: URL 6).	تصویر ۱۰: معبد بهشت، چین (مأخذ: URL 4).
			
تصویر ۱۷: کلاه سنتی رقص، ژاپن (مأخذ: URL 11).	تصویر ۱۵: کلاه سامورایی کسا، گالری هنر ویکتوریایی بزرگ، ژاپن (مأخذ: URL 9).	تصویر ۱۳: کلاه ایمنی از آهن، ژاپن (مأخذ: URL 7).	تصویر ۱۱: کلاه وینیچ بامبو، چین (مأخذ: URL 5).
			
تصویر ۱۹: کلاه ایمنی سامورایی، ژاپن (مأخذ: URL 13).	تصویر ۱۸: خانه کره‌ای-۲ (مأخذ: URL 12).		










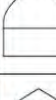



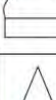



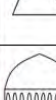










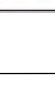
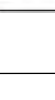
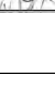





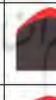




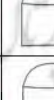



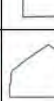



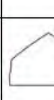



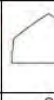






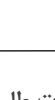
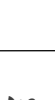
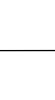
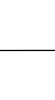
جدول ۲-۲: بررسی درصد هم‌پوشانی نمونه موردی‌های مشابه سرپوش انسانی و سرپوش بنا در آسیای شرقی (مأخذ: نگارندگان).

ردیف	آسیای شرقی				
	سازمان پوششی	کلاه	نشان انسان	سروپوش ساختمان	سروپوش بنا
74					
93.5					
73					
93.5					
77.9					
68					
89					
72					
78.78					
91					
75.75					
88					
72					
91					
75.75					
66					

جدول ۳-۱: مصادیق از تشابه سرپوش انسانی و سرپوش معماری در آسیای میانه (مأخذ: نگارندگان).

			
تصویر ۲۶: بنای سلطان تکش مسلم ترکمنستان (مأخذ: URL 20).	تصویر ۲۴: آرامگاه احمد سنجر در مرو، ترکمنستان (مأخذ: URL 18).	تصویر ۲۲: خواجه اسلام، ازبکستان (مأخذ: URL 16).	تصویر ۲۰: چشمه ایوب ازبکستان (مأخذ: URL 14).
			
شکل ۲۷: کلاه سنتی ترکمنستان (مأخذ: URL 21).	تصویر ۲۵: کلاه عروسی ترکمنستان (مأخذ: URL 19).	تصویر ۲۳: کلاه سنتی ازبکستان (مأخذ: URL 17).	تصویر ۲۱: کلاه بلند ازبکستان (مأخذ: URL 15).
			
تصویر ۲۹: کلاه سنتی ازبکستان (مأخذ: URL 23).		تصویر ۲۸: آرامگاه شاه زند، ازبکستان (مأخذ: URL 22).	

جدول ۳-۲: بررسی درصد هم‌پوشانی نمونه موردی‌های مشابه سرپوش انسانی و سرپوش بنا در آسیای میانه (مأخذ: نگارندگان).

آسیای میانه					
86.8 9					15
92					16
99					17
89					18
81					19
94					20
88					21
85					22
95					11
89					12
92					13
96					14
92.5					11
96					12
91.5					13
79					14

جدول ۴-۱ - مصادیق از تشابه سرپوش انسانی و سرپوش معماری در آسیای غربی (مأخذ: نگارندگان).

 <p>تصویر ۳۶: مسجد مهرماه سلطان، ترکیه (مأخذ: URL 30).</p>	 <p>تصویر ۳۴: گنبد خشتی مشهد، ایران (مأخذ: URL 28).</p>	 <p>تصویر ۳۲: گنبد سلطانیه، زنجان (مأخذ: URL 26).</p>	 <p>تصویر ۳۰: مسجد و بیمارستان دیوریگی ترکیه (مأخذ: URL 24).</p>
 <p>تصویر ۳۷: کلاه خود ترکیه-۲، موزه مت؛ (مأخذ: URL 31)</p>	 <p>تصویر ۳۵: کلاه خود ایران-۲، متروپلیتن (مأخذ: URL 29).</p>	 <p>تصویر ۳۳: کلاه خود ایران، مرکز نگه‌داری در هند؛ (مأخذ: URL 27)</p>	 <p>تصویر ۳۱: کلاه خود ترکیه، (مأخذ: URL 25)</p>
 <p>تصویر ۳۹: کلاه خود، ایران-۳ (مأخذ: URL 33).</p>	 <p>تصویر ۳۸: مسجد جامع حموالقدو الموصل عراق (مأخذ: URL 32).</p>		

جدول ۴-۲: بررسی درصد هم‌پوشانی نمونه موردی‌های مشابه سرپوش انسانی و سرپوش بنا در آسیای غربی (مأخذ: نگارندگان).

اسیای غربی					
90.46					29
91.93					23
83.72					24
94					25
85.56					26
95.88					27
93					28
84.90					28

70						43
95.88						44
77.5						45
85						
100						46
76.38						47
98.57						
86.80						
72.56						48
97.57						
86.72						
72.1						49
85						
82.33						
86.26						50
89.1						34
93.37						
85.85						35
76.76						
74						36
86.11						
78.52						37
92.30						
79.16						
75.8						38
80						39
79.40						40
89.90						41
95						42

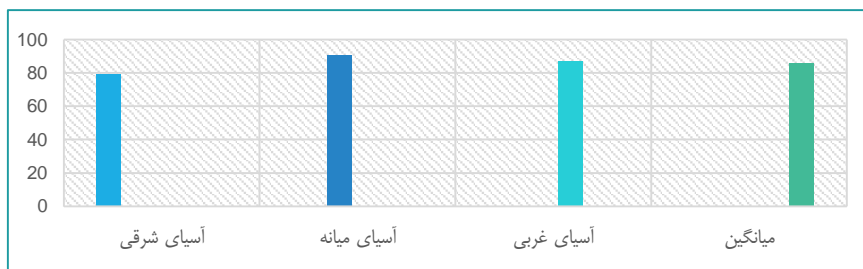
۴- نتایج و یافته‌ها

۴-۱- یافته‌های آماری همپوشانی جدول نمونه‌های موردبررسی

یافته‌های آماری تحقیق در زمینه همپوشانی سرپوش‌ها و آسمانه‌ها که در ۵۰ آسمانه بنا و به‌طور متوسط با بیش از ۷۰ سرپوش انسانی متناظر موردبررسی قرار گرفته است، به شرح زیر است.

بالاترین درصد همپوشانی ۱۰۰ درصد است که متعلق به قلعه نایننگ در چین با سرپوش سنتی کلاه سنتی جئونگ جاگوان است. در توضیح این کاهش درصد، می‌توان چنین گفت که علیرغم شباهت ظاهری این سرپوش با سرپوش قلعه نایننگ، عدم تناسبی، موجب کاهش درصد همپوشانی گردیده است. میزان شباهت شکلی بین این دو سرپوش به قدری است که می‌توان در مورد عدم تناسبی شکلی این نمونه به دیده اغماض نگریست؛ علاوه بر این، لازم به ذکر است که این کلاه از سرپوش‌های رایج مردمان در طی چندین دهه بوده است و با حفظ فرم کلی، در تناسب و ابعاد مختلف تولید می‌گشته

است فلذا محتمل است که نمونه‌های مشابه دیگری از این سبک کلاه جاگوان یافت که تناسبات آن با تناسبات قلعه نانینگ همپوشانی بیشتری داشته باشد؛ اما بایستی خاطر نشان کردند با تأمل در نتایج آماری یافته‌های تحقیق مشخص می‌گردد به‌طور میانگین، سطح کالیبره شده سرپناه بناها با سرپوش‌های انسانی در آسیای شرقی ۷۹٫۴۵ در آسیای میانه ۹۰٫۳۶ و در آسیای غربی ۸۷٫۱ است که این ارقام به‌طور میانگین، بیانگر ۸۵٫۶۳ درصد هم‌پوشانی است. با در نظر گرفتن مسائلی چون کم‌دوام بودن مواد ساختاری کلاه‌ها و اعوجاج شکلی آنها در طول زمان همچنین مشکلات ساخت و فرم دهی سرپوش بنا، می‌توان چنین ادعا کرد که مقدار حاصله بیش از این می‌توانست باشد (تصویر ۴۰).



تصویر ۴۰: بررسی آمار و درصد هم‌پوشانی مصادیق مشابه سرپوش انسانی و سرپناه بنا در اقوام آسیایی (مأخذ: نگارندگان).

۴-۲- یافته‌های غیر آماری جدول نمونه‌های مورد بررسی

فارغ از یافته‌های مرتبط با درصد تشابهات خطوط پیرامونی سرپوش‌های انسانی و سرپوش‌های معماری، شواهد دیگری نیز وجود دارد که بر ارتباط پوششی انسان‌ها و بناهای موجود در هر منطقه دلالت دارد. در تطبیق سرپوش‌های اقوام آسیای شرقی این تشابهات علاوه بر شکل فرمی در جنس و مصالح ساخت نیز دیده می‌شود. این امر در بناهای قدیمی‌تر، از جمله ساختمان‌های موجود در معبد بهشت چین، خانه‌های روستایی یانگ‌دونگ و ناگانپ‌سونگ و ساختمان کره‌ای که در ساختش از مصالح چوبی و بومی استفاده شده است، به کرات قابل‌رویت است (تصویر ۴۱). لازم به ذکر است این تشابه به معنای برابری شیوه ساخت و درجه استحکام سرپوش و آسمانه نیست؛ زیرا در ساختمان به جهت کاربری متفاوتی که دارد عمر بنا و استحکام و پایداری‌اش در برابر شرایط جوی از شروط لازم و اساسی است و فرم در درجات بعدی اهمیت قرار دارد اما سبک پوششی خصوصاً در دنیای معاصر درازای عمر کمتری دارد و فرم و زیبایی نقش بالاتری را ایفا می‌کند.



تصویر ۴۱: نمونه‌هایی از سرپوش‌ها و آسمانه‌هایی با بافت و جنس مشابه (مأخذ: نگارندگان).

مورد قابل‌توجه دیگر در یافته‌های تحقیق، الگوهای مشابه سرپوش بناها و سرپوش‌های زنانه مردم آسیای میانه است. کلاه زنانه قزاقی با سرپوش آرامگاه عایشه بی‌بی قزاقستان، کلاه عروسی قدیمی ترکمنی با سرپوش آرامگاه احمد سنجر در مرو ترکمنستان، کلاه سنتی قرقیزی با سرپوش برج بورانا قرقیزستان و کلاه بلند ازبکستان با چشمه ایوب ازبکستان در تناظر و تشابه هستند که به ترتیب از چپ به راست در (تصویر ۴۲) نمایش داده شده است. این امر که در اسامی بناهای تاریخی این سرزمین‌ها نیز مشهود است، بیانگر ارزش و اهمیت جایگاه زن در بین مردمان این اقوام است. از این رو می‌توان چنین دریافت که با بررسی دقیق‌تر تشابهات بین سرپوش‌ها، علاوه بر ظواهر امر می‌توان به پیشینه فرهنگی یک تمدن نیز دست یافت.



تصویر ۴۲: تشابه سرپوش‌های زنانه با سرپوش بناها در آسیای میانه (مأخذ: نگارندگان).

یافته دیگر تحقیق در مورد سرپوش‌ها حاکی از این امر است که در برخی نمونه‌ها علاوه بر فرم، شباهت طیف رنگی نیز دیده می‌شود که نمونه‌هایی از آن در (جدول ۵) نمایش داده شده است.

جدول ۵: نمونه سرپوش‌های انسانی و سرپوش‌های معماری با طیف رنگی مشابه (مأخذ: نگارندگان).

 <p>تصویر ۴۷: گنبد سبز، برج‌های آرامگاهی قم (مأخذ: URL 38).</p>	 <p>تصویر ۴۶: خانه هانکوک کره‌ای روستای ناگانپ سونگ (مأخذ: URL 37).</p>	 <p>تصویر ۴۵: دروازه اقامتگاه سابق زویان هو (مأخذ: URL 36).</p>	 <p>تصویر ۴۳: آرامگاه حیقوق نبی (مأخذ: URL 34).</p>
 <p>تصویر ۴۸: کلاه سنتی لر (مأخذ: URL 39).</p>	 <p>تصویر ۱۷: کلاه سنتی سامورایی (مأخذ: URL 11).</p>	 <p>تصویر ۱۳: کلاه ایمنی از آهن، ژاپن (مأخذ: URL 7).</p>	 <p>تصویر ۴۴: کلاه خود ایرانی هندی (مأخذ: URL 35).</p>
 <p>تصویر ۵۲: گنبد پیر محله رودسر ایران (مأخذ: URL 43).</p>	 <p>تصویر ۵۱: گنبد تاج الملک (مأخذ: URL 42).</p>	 <p>تصویر ۴۹: گلخانه الای ترکیه (مأخذ: URL 40).</p>	
 <p>تصویر ۵۳: کلاه خود عثمانی-سوری (مأخذ: URL 44).</p>	 <p>تصویر ۳۵: کلاه خود ایران-۳، موزه متروپلیتن (مأخذ: URL 29).</p>	 <p>تصویر ۵۰: کلاه خود ترکیه-۳ (مأخذ: URL 41).</p>	

همچنین در نمونه‌های مورد بررسی شاهد تشابهات در جزئیات نقش و نگار و تزئینات بین سرپوش بنا و انسان هستیم. آرامگاه احمد سنجر در مرو، مقبره سید محمد حیرانی، آرامگاه مولانا و حیقوق نبی در ترکیه، گلخانه الای ترکیه، مسجد جامع بزرگ در موصل عراق، برج بورانا قرقیزستان نمونه‌هایی از این موارد می‌باشند که در (جدول ۶) نمایش داده شده‌اند.

جدول ۶: نمونه سرپوش‌های انسانی و بنا با جزئیات مشابه (مأخذ: نگارندگان).

سریوش بنا	سریوش انسان	تحلیل خطی
 تصویر ۴۳: آرامگاه حیفوق نبی. (مأخذ: URL 34)	 تصویر ۴۴: کلاه خود ایرانی هندی. (مأخذ: URL 35)	 تصویر ۵۵: تحلیل خطی از سرپوش آرامگاه حیفوق نبی. (مأخذ: نگارندگان)
 تصویر ۵۷: آرامگاه مولانا. (مأخذ: URL 45)	 تصویر ۴۴: کلاه خود ایرانی هندی. (مأخذ: URL 35)	 تصویر ۵۸: تحلیل خطی از سرپوش مقبره مولانا. (مأخذ: نگارندگان)
 تصویر ۶۰: مقبره سید محمد حیرانی، ترکیه. (مأخذ: URL 46)	 تصویر ۴۴: کلاه خود ایرانی هندی. (مأخذ: URL 35)	 تصویر ۶۱: تحلیل خطی از مقبره سید محمد حیرانی، ترکیه (مأخذ: نگارندگان).
 تصویر ۶۵: مسجد جامع موصل عراق. (مأخذ: URL 49)	 تصویر ۶۶: کلاه خود ایرانی-موزه مت. (مأخذ: URL 50)	 تصویر ۶۷: تحلیل خطی از سرپوش مسجد جامع موصل عراق (مأخذ: نگارندگان)
 تصویر ۶۵: مسجد جامع در موصل عراق؛ (مأخذ: URL 49)	 تصویر ۶۹: کلاه خود، ترکیه-۴؛ (مأخذ: URL 51)	 تصویر ۶۷: تحلیل خطی از سرپوش مسجد جامع موصل عراق (مأخذ: نگارندگان)
 تصویر ۲۴: آرامگاه احمد سنجر در مرو، ترکمنستان. (مأخذ: URL 18)	 تصویر ۲۵: کلاه عروسی قدیمی، ترکمنستان. (مأخذ: URL 19)	 تصویر ۵۴: تحلیل خطی از سرپوش آرامگاه حیفوق نبی. (مأخذ: نگارندگان)
 تصویر ۴۹: گلخانه الای ترکیه. (مأخذ: URL 40)	 تصویر ۵۰: کلاه خود، ترکیه -۳. (مأخذ: URL 41)	 تصویر ۵۶: تحلیل خطی از سرپوش گلخانه الای ترکیه. (مأخذ: نگارندگان)

 <p>تصویر ۱۴: خانه کره‌ای. (مأخذ: URL 8)</p>	 <p>تصویر ۱۵: کلاه سامورایی کسا، گالری ویکتوریا ژاپن (مأخذ: URL 9)</p>	 <p>تصویر ۵۹: تحلیل خطی از سرپوش خانه کره‌ای. (مأخذ: نگارندگان)</p>
 <p>تصویر ۶۲: برج بورانا، قرقیزستان. (مأخذ: URL 47)</p>	 <p>تصویر ۶۳: کلاه سنتی قرقیزستان. (مأخذ: URL 48)</p>	 <p>تصویر ۶۴: تحلیل خطی از سرپوش برج بورانا (مأخذ: نگارندگان)</p>
 <p>تصویر ۳۰: مسجد و بیمارستان دیوریگی؛ (مأخذ: URL 24)</p>	 <p>تصویر ۳۱: کلاه‌خود ترکیه، موزه مت؛ (مأخذ: URL 25)</p>	 <p>تصویر ۶۸: تحلیل خطی از سرپوش مسجد و بیمارستان دیوریگی (مأخذ: نگارندگان)</p>

بر اساس یافته‌های تحقیق، سرپوش‌ها و آسمانه‌های معماری قومیت‌های آسیای شرقی، غربی و میانه، از نظر سبک به هم پیوسته‌اند زیرا در هر دو، بدن چه از منظر حفاظت از آن (به عنوان پوست دوم و سوم) و چه از منظر الگو گیری نقش مهمی را ایفا می‌نماید و رابطه آن‌ها به صورت سوژه، آبه و محیط تعریف می‌شود. از این رو در یک تبار سرپوش‌ها و آسمانه‌ها می‌توانند الگوهای مشابهی به خود بگیرند چون دو عامل محیط و سوژه در آنها مشترک است. شکل‌ها و خطوط طراحی، الگو، تزئینات، ساختارهای فضایی، رنگ‌بندی، تناسبات و ریتم مشابه در طراحی سرپوش‌ها و آسمانه‌های معماری رؤیت می‌شود. همچنین هر دو جلوه‌ای از هویت و فرهنگ جامعه می‌باشند از سوی دیگر تفاوت در مقیاس را نیز می‌توان چنین تعبیر کرد که سرپوشی که فرد برای خود برمی‌گزیند جنبه شخصی و فردی دارد اما سرپوش و آسمانه‌ای که معمار برای یک بنا برمی‌گزیند علاوه بر این که معرف یک جامعه است برای پوشش و محافظت افراد بیشتری است فلذا مقیاس بزرگ‌تری را طلب می‌کند؛ اما عامل اصلی تفاوت و جدایی این دو از هم در مصالح و نحوه ساخت است. آسمانه‌ها با نقش سازه‌ای و مهمی که دارند در درجه اول در نقش محافظ عمل می‌کنند اما سودهی به سمت وسوی زیبایی شناسانه آن در راستای سلاقی و سبک پوششی هر تبار است که با پیشرفت دانش مهندسی امکان این الگو گیری بیشتر می‌شود زیرا فرم دهی به مصالح سفت و سخت ساختمانی به راحتی مترئیل پوششی که نرم و انعطاف پذیر است، نیست. با این حال چنان که در نمونه‌های بررسی شده شاهد هستیم ذهن خلاق و اندیشمند معمار حتی با همین مصالح انعطاف‌ناپذیر توانسته بیشترین شباهت را در طرح‌های پوششی اصیل و ماندگار ایجاد نماید. فلذا می‌توان گفت برای دمیدن روح در معماری بنا الگوهای تباری از اهمیت شایان توجهی برخوردار است به گونه‌ای که بنا که به سبب استحکام مصالح در گذر زمان پایدارتر است بتواند فرهنگ و هویت تمدن زیستی آن تبار را در طی اعصار جلوه‌گر سازد چنانکه گویی مردم آن تبار را می‌بینیم.

۵- نتیجه گیری

ناخودآگاه جمعی جهان رواست و فرا سرزمینی عمل می‌کند و عمدتاً در ترسیم خطوط اصلی دست‌ساخته‌ها نقش ایفا می‌کند اما ناخودآگاه تباری در مقیاس محدودتر و تحت تأثیر کامیابی‌های سرزمینی عمل می‌کند و در پی ماندگاری جزئیات شکل‌ها و ریخت‌ها و همین‌طور آزموده‌های برآمده از دستاوردهای محیطی است. معمار با درونی کردن دنیای بیرونی به گونه‌ای سازمان‌یافته و سازگار با محیط زیستی، جنبه‌های خاصی از خود و سرپوش‌های بومی فرهنگ و تمدنش را در بناها منعکس می‌کند. از این رو گرایش‌های زیبایی‌شناسی انسان‌انگارانه در حوزه ناخودآگاه تباری، موجبات تنوع الگوهای

فرمی گنبدها حتی در یک اقلیم واحد گردیده است. پایش عمومی سرپوش‌های انسانی و آسمانه‌های معماری سه منطقه آسیایی حکایت از همانندی هیات کلی، بافت، نقش و جزئیات در آنها دارد. یافته‌های محاسباتی، میانگین میزان هم‌پوشانی سطحی بین آنها را بیش از ۸۵ درصد نشان می‌دهد. کم‌دوام بودن مواد ساختاری سرپوش‌ها و اعوجاج شکلی آنها در طول زمان، می‌تواند از دلایل کاهش درصد انطباق در برخی مناطق باشند. بر اساس این یافته‌ها می‌توان چنین گفت که باشندگانی که سالیان دراز، تجربه زیسته مشترک داشته‌اند، ترجیح زیبایی‌شناختی یکسانی یافته‌اند و بدین روی معماران و پدیدآورندگان آسمانه‌ها ضمن توجه به سازه، کاربری و اقلیم، به الگوی سرپوش‌های اصیل و بومی هر تبار که از جمله نخستین تجربه‌های دست‌ساز انسانی است، توجه لازم را مبذول داشته‌اند زیرا این الگوها با وجود تفاوت در مصالح، هم از منظر اقلیمی و هم از منظر سلاقی فرهنگی بیشترین سازگاری را با زندگی زیستی و روانی انسان می‌تواند داشته باشد. این روند تکاملی گاه ممکن است، رابطه‌ای دوسویه باشد. به این نحو که برانندگی شکلی و نمادین یک کلاه در فرم‌یابی آسمانه‌ای کارساز شده و جزئیات چشم‌نواز آسمانه‌ای، زینده کلاه دیگری شده باشد. به‌هرروی شکل‌ها و خطوط طراحی، الگو، تزئینات، رنگ‌بندی، تناسبات و ریتم و گاه مصالح مشابه در هر دورویت گردید. این راهبرد روانی، بازتولید و پاسداشت فرم‌های آزموده و چشم آشنا، به‌واسطه ضرورت قلمروپایی و بیگانه‌پرهیزی و به دلایل زیستی سامان یافته است. روشن است سرمشق‌های مشترک یافته شده در طرح آسمانه‌ها و سرپوش‌ها از الگوهای رایج و ماندگار در آن تبار و سرزمین‌ها است. چه بسیار سبک‌های پوششی که فاقد ریشه و بسامد فرهنگی و بومی بوده و باوجود آسانی ساخت، مجال جلوه‌نمایی در بناها را نیافته‌اند. این مقاله بر این نکته پا می‌فشارد که هر ریختی که از تعلق و سابقه فرهنگی بی‌بهره باشد، جایگاهی در ناخودآگاه تباری نخواهد یافت و فاقد شانیت کالبد معماری خواهد بود.

^۱ مرشدی زاده هویت قومی را با شش شاخصه تعریف می‌نماید. ۱. برخورداری از نام مشترک ۲. خاطرات تاریخی مشترک ۳. اسطوره نیای مشترک؛ خاستگاه مشترک زمانی و مکانی است نوعی خویشاوندی افسانه‌ای را برای آن قوم به وجود می‌آورد ۴. یک یا چند عنصر مشترک فرهنگی، معمولاً دین آداب و رسوم یا زبان را در بر می‌گیرد ۵. پیوند با یک سرزمین که ممکن است آن قوم واقعاً در آن سرزمین ساکن نباشند، اما همانند مردمان پراکنده پیوندی نمادین با سرزمین نیاکانی خود داشته باشند ۶. نوعی همبستگی در بخش‌هایی از جمعیت قومی (مرشدی زاده، ۱۳۷۹، ۶۳)

^۲ Filarete

^۳ Photoshop Adobe CC 2018

^۴ Distort

^۵ AutoCAD 2017

^۶ Fit Spline

^۷ Scale

^۸ Area

^۹ Paint bucket tool

منابع

- Abbasi, S. M. (2018). "The Psychology Behind the Relationship between Fashion Design & Architecture" Jeddah, KSA: Chair of the Fashion Design Program, Dar Al-Hekma University, Int. J. Adv. Res. 6(11), 674-681, 2018.
- Akbari, A. (2017). The architecture of silence: the metaphorical meaning of presence and solitude . Shiveh, bi-monthly specialized art magazine of Tehran: House of Iranian artists Artists
- Alexander, Christopher. 1979. The Timeless Way of Building. New York: Oxford University Press.
- Alexander, Ch. (2003). The nature of order. Vol 4, Centre for environmental structure.
- Anderson, A. T. (2006). On the Human Figure in Architectural Representation. Journal of Architectural Education, (55)4, 238-246.

- Azkia, M., Darban Astaneh, A.R., (2010), Applied Research Methods, Tehran: Keihan Publications [In persian]
- Barabanov, A. A. (2002). Urban Bodies. Man, and Architecture: Semantics of Relations, (1)7, 40-52.
- Castan, M., Tomico, O. (2017), When Dose Clothing Become Textile Architecture? Creating Dynamic Qualitie. Nordes_Nordic Design Research, No 10, 1-10
- Corradi, G., Chuquichambi, E. G, Barrada, J. R., Clemente, A. Nadal, M. (2020). A new conception of visual aesthetic sensitivity, British Journal of Psychology, 111(4). 630-658, <https://doi.org/10.1111/bjop.12427>
- Ali, N. O., & Rebeh. Z. O. (2021). The Interrelationship Between Fashion and Architecture. International Journal of Humanities and Educational Research, 525-539
- Goffman, E. (1951). "Symbols of Class Status." British Journal of Sociology 2:294-304
- Guthrie, S. E. anthropomorphism. (2008, 15 Apr). Encyclopedia Britannica, <https://www.britannica.com/topic/anthropomorphism>. Accessed 5 May 2023.
- Hanquinet. L. (2018). 'But is it good?' Why Aesthetic Values Matter in Sociological Accounts of Tastes, Journal of Cultural Analysis and Social Change, 3(2), 09, DOI:10.20897/jcasc/3990
- Hanquinet, L., Roose, H., Savage, M. (2014). The Eyes of the Beholder: Aesthetic Preferences and the Remaking of Cultural Capital, Sage Journal, 48(1), 111-132.
- Heinrich, M. (2014). The Hidden Appeal. Anthropomorphic, Biomorphie and Narrative Aspects of Visual Perception in Spatial Arts, Architecture & Design. Athens: Visual and Performing ArtsAt, 3-28.
- Kazzazi, M. (1993). The Dream, the Epic, the Myth. Tehran: Nashr-e markaz [In persian]
- Kheirabadi, F. & Kheirabadi, Kh. (2016). Status of Racial Patterns in The Collective Subconscious Minds. Ruyesh Psychology, 6(3 (20)), 7-18. [In persian]
- Khordadbeh, Ibn (846). Book of Roads and Kingdoms. Translated by Khakrand, S. (1992), Tehran: The heritage of nations [In persian]
- Kumari, Annu, (2019), "Elucidation of relationship between clothing silhouette and motifs with Indian Mughal architecture," India, Kumari Fash Text, University Madhya Pradesh.
- Fawcett, L. (1989). Anthropomorphism: In the Web of Culture. Undercurrents, (1)1, 14-20.
- Gaskell, I. (2018). Race, Aesthetics, and Shelter: Toward a Postcolonial Historical Taxonomy of Buildings. The Journal of Aesthetics and Art Criticism, 77(4), 379-390.
- Miles, G. (2008). Skin+Bones: Parallel Practices in Fashion and Architecture, Museum of Contemporary Art (MOCA), Los Angeles.
- Morshedizadeh, A. (2000). Ethnic loyalty and national identity. Book of the Moon (social sciences), 4(11) [In persian]
- Mondegari, K., & Nadimi, Z. (2016). Analyzing Constitutive Principles of the Hierarchy of the Concept of Center. Journal of Architecture in Hot and Dry Climate, Yazd University, 4(4), 33-47. [In persian]
- Nadimi, Z., mondegari, K., & Mohammadi, A. (2022). Modes of Center, Analysis of a Semantic Hierarchy of Center. Journal of Iranian Architecture Studies, 3(5), 115-129. [In persian]
- Naghizadeh, M. (2002). The influence of architecture and the city on cultural values. Honar-Ha-Ye-Ziba, -(11), 62-76. [In persian]
- Pakzad, J. (1996). Hoviyyat va Hamzatpendari ba Faza [Identity and Identification with Space]. Soffeh, 6(21- 22), 100-106. [In persian]
- Polovtsev A.A. (1992). Aleksei Mikhailovich // Russkii biograficheskii slovar. V. 2. M.: Aspect Press LTD.
- Pond, I. N. (1891). Architectural Kinships. The Inland Architect and News Record, 17(2), 22-24.
- Pond, I. N. (1918). Meaning of Architecture. Boston: Marshal Jones Company.

- Salingeros, N. (2021). Connecting to the World: Christopher Alexander's Tool for Human-Centered Design, *She Ji: The Journal of Design, Economics, and Innovation*, 6(4):455-481.
- Pourjafar, M.R, Shafieyan daraie, F. Ghobadi, A.R, (2015). The Concept of Persistence in Islamic Architecture and comparing it to the Concept of Sustainability in Contemporary Architecture, *Journal of Researches in Islamic Architecture*, Iran University of Science & Technology, 2 (4) :32-48. [In persian]
- Tekel, A. (2015). Estetik Yargı ve Estetik Yargıyı Etkileyen Faktörler. *Makaleler*, (16), 149-157.
- Thoreau, H. D. 1854. *Walden; Or, Life in the Woods*. Boston: Ticknor and Fields.
- Ubaid, W. Saleh, M. (2022). The Participatory Relationship between Fashion and Architecture. *Iraqi Journal of Architecture and Planning*.
- Vahdat-talab, M. (2013). Self-Centered Aesthetics: The Role of Shared Bio-Psychological Nature in Aesthetical Judgment. *Soffeh*, 24(64), 5-18. [In persian]
- Vischer, R. (1994). On optical sence of form: A countribution to aesthetics, in *Empathy, Form, and Space: Problems in German Aesthetics, 1873-1893*, Getty Center for the History of Art and the Humanities, Los Angeles.
- Wahdattalab, M., & Yaghmoori, A. (2024). Investigating the Similarities of the Head Covers in the Patterns of the Covering and Architecture (A Report on the Resemblance between Eight Patterns of Human Head Covers with Architectural Head Covers in Topkapi Palace). *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 12(43), 6-17. doi: 10.22034/jaco.2023.405487.1330] In persian]
- Weinberger, a. b, Garside, e. w, Alexander, P. Christensen, p. a & Chatterjee, A. (2022). Effects of expertise on psychological responses to buildings and natural landscapes, *Journal of Environmental Psychology* 84(9), 101903, DOI: 10.1016/j.jenvp.2022.101903
- Zöllner, f. (2011). Anthropomorphism. Towards a Social History of Proportion in Architecture, Proportions. Proportions. Science-Musique-Peinture & Architecture Editors: Philippe Vendrix, Sabine Rommevaux, Vasco Zara: Proportions. Science, musique, peinture & architecture; actes du LLe Colloque International d'Études Humanistes, 443-456.
- https://maps-and-tables.neocities.org/races_map [accessed on 8th April 2024]
- <https://climate-box.com/textbooks/the-problem-of-climate-change/2-2-effects-on-plants-and-animals/> [accessed on 8th April 2024]
- <http://cahierdeseoul.com/fashion-into-art/amp/> [accessed on 10th March 2022]
- <https://www.klook.com/en-US/activity/12671-temple-of-heaven-admission-ticket-beijing/> [accessed on 10th March 2022]
- <https://stock.adobe.com/fi/search/images?k=farmers+hat> [accessed on 10th March 2022]
- <https://mymagicearth.com/qibao-ancient-water-town-shanghai/> [accessed on 10th April 2023]
- <https://www.the-saleroom.com/en-gb/auction-catalogues/piasa-sa/catalogue-id-2870068/lot-16505928?searchitem=true> [accessed on 10th March 2022]
- <http://m.board.realestate.daum.net/gaia/do/mobile/estate/read?bbsId=knowhow&articleId=162762&pageIndex=3> [accessed on 10th March 2022]
- [https://en.wikipedia.org/wiki/Kasa_\(hat\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Kasa_(hat)) [accessed on 10th March 2022]
- https://www.alamy.com/stock-photo-traditional-hanok-house-yangdong-folk-village-gyeongju-si-gyeong-sangbuk-102644893.html?pv=1&stamp=2&imageid=40993457-F29B-4098-A668-B775D3746CCA&p=224635&n=0&orientation=0&pn=1&searchtype=0&IsFromSearch=1&srch=f0o%3dbar%26st%3d0%26pn%3d1%26ps%3d100%26sortby%3d2%26resultview%3dsortbyPopular%26npgs%3d0%26qt%3dgyeongju%2520si%26qt_raw%3dgyeongju%2520si%26lic%3d3%26mr%3d0%26pr%3d0%26ot%3d0%26creative%3d%26ag%3d0%26hc%3d0%26pc%3d%26blackwhite%3d%26cutout%3d%26tbar%3d1%26et%3d0x00000000000000000000%26vp%3d0%26loc%3d0%26imgt%3d0%26dtfr%3d%26dtto%3d%26size%3d0xFF%26archive%3d1%26groupid%3d%26pseudoid%3d%26a%3d%26cdid%3d%26cdsrt%3d%26name%3d%26qn%3d%26apalib%3d%26apalic%3d%26lightbox%3d%26gname%3d%26gtype%3d%26xstx%3d0%26simid%3d%26saveQry%3d%26editorial%3d1%26nu%3d%26t%3d%26edoptin%3d%26customgeoip%3d%26cap%3d1%26cbstor

- [e%3d1%26vd%3d0%26lb%3d%26fi%3d2%26edrf%3d0%26ispremium%3d1%26flip%3d0%26pl%3d \[accessed on 10th March 2022\]](#)
- https://kogeijapan.com/locale/en_US/etchufukuokanosugegasa/ [accessed on 10th March 2022]
 - <http://m.blog.naver.com/starmom11/100204018190> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.worthpoint.com/worthopedia/big-antique-edo-era-japanese-samurai-helmet-jingasa> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://af.farsnews.ir/multimedia/photo/13960418000737> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://rjohnhowe.wordpress.com/2009/03/> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.advantour.com/uzbekistan/khiva/islam-khodja-minaret.htm> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.philamuseum.org/collections/permanent/90429.html?mulR=1358196932%7C7> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.gounesco.com/heritage/sites/state-historical-and-cultural-park-ancient-merv/> [accessed on 10th March 2022]
 - <http://landofthelions.tumblr.com/post/25986728236/turkmen-wedding-headdress> [accessed on 10th March 2022]
 - <http://www.goldensteppes.com/tur/restaurants.html> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.etsy.com/sg-en/listing/261563532/vintage-antique-turkmen-chodor-tribe> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://souvenirchronicles.blogspot.com/2018/03/samarkand-uzbekistan-shakhi-zinda.html> [accessed on 10th March 2022]
 - <http://rugrabbit.com/node/148329> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.neoldu.com/turkiyedeki-unesco-kultur-miraslari-10966h.htm> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/22214?rpp=30&pg=4&ft=mamluk&pos=94> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://safarpin.com/blog/79/post> [accessed on 10th March 2022]
 - https://www.liveauctioneers.com/item/53289976_indo-persian-warrior-helmet-hunting-catlog-documented [accessed on 10th March 2022]
 - <https://soltansafar.com/blog/%D8%B1%D8%A7%D9%87%D9%86%D9%85%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%D9%81%D8%B1-%D8%A8%D9%87-%D9%85%D8%B4%D9%87%D8%AF-%D8%A7%D9%85%D8%A7%DA%A9%D9%86-%D9%85%D8%B0%D9%87%D8%A8%DB%8C> [accessed on 10th March 2022]
 - <http://myarmoury.com/talk/viewtopic.28484.html> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.istanbulsara.com/%D9%85%D8%B3%D8%AC%D8%AF-%D9%85%D9%87%D8%B1%D9%85%D8%A7%D9%87-%D8%B3%D9%84%D8%B7%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86%D8%A8%D9%88%D9%84/> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/32058> [accessed on 10th March 2022]
 - https://www.pukmedia.com/KS_Direje.aspx?Jimare=134699 [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.invaluable.com/auction-lot/a-gilt-khula-khud-and-sipar-933-c-5ba018e434#> [accessed on 10th March 2022]
 - <https://www.irangazette.com/en/about-iran/54-iran/top-10-of-iran.html> [accessed on 10th March 2022]
 - https://www.liveauctioneers.com/catalog/108825_history-collection/ [accessed on 10th March 2022]

- <https://www.kojaro.com/attraction/28205-%D8%A7%D9%82%D8%A7%D9%85%D8%AA%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%B2%D9%88%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D9%87%D9%88/> [accessed on 10th March 2022]
- https://english.visitkorea.or.kr/enu/ATR/SI_EN_3_1_1_1.jsp?cid=1803826 [accessed on 10th March 2022]
- <https://shahr20.ir/4833/%DA%AF%D9%86%D8%A8%D8%AF-%D8%B3%D8%A8%D8%B2-%D8%A8%D8%B1%D8%AC%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A2%D8%B1%D8%A7%D9%85%DA%AF%D8%A7%D9%87%DB%8C-%D9%82%D9%85/> [accessed on 10th March 2022]
- <https://wisgoon.com/pin/16973527/> [accessed on 10th March 2022]
- <https://www.peramezat.com/urun/istanbul-gulhane-alay-kosku> [accessed on 10th March 2022]
- https://www.liveauctioneers.com/catalog/108825_history-collection/ [accessed on 10th March 2022]
- https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87:%DA%AF%D9%86%D8%A8%D8%AF_%D8%AA%D8%A7%D8%AC_%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%DA%A9_%D9%85%D8%B3%D8%AC%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%B5%D9%81%D9%87%D8%A7%D9%86.png [accessed on 10th March 2022]
- <https://hamgardi.com/fa/Picture/Place/28956/169560> [accessed on 10th March 2022]
- <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/32057> [accessed on 10th March 2022]
- <https://www.maxpixel.net/Museum-Islam-Konya-Turkey-Mevlana-Cami-Dome-3967320> [accessed on 12th Feb 2021]
- Uz. Mehmet Ali, 2023, Konyanın Velileri alim vehocalari, <https://konyaninalimvehocalari.konyacami.com/seyyid-mahmud-hayrani/> [accessed on 10th April 2023]
- <https://www.gharepeyma.com/cheap-ticket-price/from-iran-to-kyrgyzstan/> [accessed on 10th March 2022]
- <https://backpackingman.com/2016-world-nomad-games/> [accessed on 10th March 2022]
- <https://astutenews.com/2017/03/19/contrasting-ales-of-two-besieged-cities/> [accessed on 10th March 2022]
- <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/32131> [accessed on 10th March 2022]
- <https://www.antiquesreporter.com.au/index.cfm/lot/254522-turkish-kula-khud-helmet-domed-sliding-nose-guard-with-turkish-c/> [accessed on 10th March 2022]

Original Research Article

Ethnic unconscious and preference for the sameness of head covers and domes of buildings: A report on the resemblance between fifty patterns of human head covers and architectural head covers among the tribes of eastern, western, and central Asia

Massud Wahdattalab^{1*}, Akram yaghmoori²

1- Associate professor, Faculty of Architectural and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

2- Phd student, Faculty of Architectural and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

 10.22034/AHDC.2024.21223.1785

Received:
February 7, 2024

Accepted:
May 11, 2024

Keywords:
Ethnic unconscious,
Head cover,
Dome,
Egoism,
Anthropomorphism,

Abstract

The collective unconscious is an agent in many artistic actions, and it usually plays the most important role to shape overall themes. However, experience shows that the ethnic unconscious is more effective for the sustainability of the forms and even the details of artworks. Using a psycho-biological approach, this research aims to show the influence of the semi-collective unconscious on the institutionalization of admired patterns. The main question is 'How similar are the head covers worn by native people of Asia to the enduring patterns of domes in the same Asian tribes? To answer this question, the historical-interpretive research method and analogical-inductive reasoning method were used. First, using the library method, fifty post-10th-century domes were selected from three regions including East, Central, and West Asia in countries with similar climates and peoples with similar ethnic identities who influenced the culture and architecture. Auto CAD and Photoshop software programs were then used to calibrate the proportions of the domes with common and similar hats in each region. According to the research findings, an overlap of more than 85% exists between the calibrated forms. Also, the pattern of domes is not restricted to structure, function, and climate. While taking these factors into account, the architects and creators of this art have utilized the authentic and indigenous covering of each region in the domes of that land to fulfill biological and psychological needs. This is because these patterns are the most compatible with climate and cultural tastes despite the material differences. In addition to the peripheral lines, these similarities can sometimes be seen in patterns, textures, and even colors and details. Therefore, with respect to forms and through the sieve of beliefs and norms based on successful subjects, the ethnic unconscious element creates diverse local patterns in the architecture and honors the resulting forms.

